




A Typological Study of the Interpretations of Ahl al-Bayt (AS) in Selected Verses of Prophethood and Imamate in Surahs Al-Baqarah and Al-Imran

Mehrnaz Goli¹ 

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. goli_m@theo.usb.ac.ir

Abstract

The narrative ta'wilat (esoteric interpretations) of Ahl al-Bayt (peace be upon them) in the exegesis of Quranic verses, founded upon divinely inspired knowledge ('ilm ladunni) and inner spiritual insight, reveal the symbolic and profound layers of meanings related to prophethood, imamate, and wilayah. These interpretations elucidate the pivotal role of Ahl al-Bayt (A) within the divine system of guidance. This study, employing a descriptive-analytical method and based on reliable Shi'a exegetical sources, conducts a typological analysis of the ta'wilat offered by Ahl al-Bayt (A) regarding four selected verses: 2:30 and 2:124 from Surah al-Baqarah, and 3:33 and 3:61 from Surah Al-i 'Imran. It seeks to examine their exegetical position in uncovering the esoteric meanings of these verses and their intrinsic connection with the foundational concepts of prophethood and imamate.

The findings indicate that in verse 2:30, human vicegerency (khilāfah) is interpreted as a divine and spiritual rank characterized by infallibility, spiritual guidance, and inner worthiness. In verse 2:124, the "words" (kalimāt) are interpreted as divinely inspired teachings and spiritual trials prerequisite for attaining the station of imamate. In Surah Al-i 'Imran, verse 3:33 signifies the spiritual election and inner purity of the Prophet's household, while verse 3:61 (the event of Mubahala) confirms the ontological and spiritual unity of Ahl al-Bayt (A) with the Prophet Muhammad (PBUH) within the framework of divine wilayah.

The conclusion highlights that the ta'wilat of Ahl al-Bayt (A), transcending the literal text, unveil profound esoteric meanings and establish their position as the bearers of divine knowledge, heirs of revelation, and spiritual guides of the Muslim community. These interpretations, in contrast to purely literal readings, offer a coherent epistemological and exegetical framework essential for the proper understanding of Quranic teachings on prophethood and imamate.

Keywords: Qur'an, Ta'wil, Ahl al-Bayt (A.S.), Nubuwwah, Imamah, Wilayah, 'Ilm Ladunni

Received: 2025-03-27; **Received in revised form:** 2025-07-28; **Accepted:** 2025-08-30; **Published online:** 2025-08-30

◆ How to cite: GOLI, M. (2025). A Typological Study of the Interpretations of Ahl al-Bayt (AS) in Selected Verses of Prophethood and Imamate in Surahs Al-Baqarah and Al-Imran. (e228061). *Qur'anic Ta'wil Studies*, (36-63), e228061 doi: 10.22034/qc.2025.514111.1158



گونه‌شناسی تأویلات اهل بیت علیهم‌السلام در آیات منتخب نبوت و امامت سوره‌های بقره و آل عمران

مه‌رناز گلی¹ ID

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

goli_m@theo.usb.ac.ir

چکیده

تأویلات روایی اهل بیت (علیهم‌السلام) در تفسیر آیات قرآن کریم، با اتکا به علم لدنی و شناخت باطنی، لایه‌های رمزی و ژرف مفاهیم نبوت، امامت و ولایت را آشکار ساخته و جایگاه محوری ایشان را در نظام هدایت الهی تبیین می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع معتبر تفسیری شیعه، به تحلیل گونه‌شناسانه تأویلات اهل بیت علیهم‌السلام در آیات ۳ و ۱۲۴ سوره بقره و آیات ۳۳ و ۶۱ سوره آل عمران می‌پردازد و تلاش دارد جایگاه تأویلی اهل بیت علیهم‌السلام در کشف معانی باطنی و پیوند آن با مفاهیم بنیادین نبوت و امامت را بررسی نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در آیه ۳ بقره، خلافت انسان، مقامی الهی و معنوی با ویژگی‌هایی چون عصمت، هدایت و شایستگی باطنی دانسته شده و در آیه ۱۲۴، کلمات الهی به معارف لدنی و آزمون‌های باطنی برای احراز مقام امامت تأویل یافته است. در سوره آل عمران نیز، آیه ۳۳ بر اصطفاء معنوی و طهارت باطنی خاندان نبوت دلالت دارد و آیه ۶۱ (مباهله) وحدت وجودی و معنوی اهل بیت علیهم‌السلام را با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نظام ولایت اثبات می‌کند. نتیجه این تحقیق حاکی از آن است که تأویلات اهل بیت علیهم‌السلام با فراتر رفتن از ظاهر الفاظ، معانی ژرف و باطنی آیات را آشکار ساخته و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان حاملان علم الهی، وارثان وحی و هادیان باطنی امت تثبیت می‌کند. این تأویلات، در برابر برداشت‌های صرفاً ظاهری، چارچوبی معرفتی و تفسیری ارائه می‌دهند که در فهم صحیح آموزه‌های قرآنی پیرامون نبوت و امامت نقش مؤثر و راهبردی دارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تأویل، اهل بیت علیهم‌السلام، نبوت، امامت، ولایت، علم لدنی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۷ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۵/۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۸ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۶/۸

◆ استناد به این مقاله: گلی، مه‌رناز. (۱۴۰۴). گونه‌شناسی تأویلات اهل بیت علیهم‌السلام در آیات منتخب نبوت و امامت سوره‌های بقره و آل عمران. (۲۲۸-۲۱۱). *مطالعات تائوولی قرآن*. (۳۶-۶۳). e۲۲۸-۲۱۱. 1158 10.22034/qc.2025.514111.1158
doi: 10.22034/qc.2025.514111.1158



۱. طرح مسأله

تأویلات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیات مرتبط با نبوت و امامت، از جایگاهی ویژه در سنت تفسیری شیعه برخوردار است. گونه‌شناسی تأویلات روایی اهل بیت علیهم السلام امکان طبقه‌بندی روشمند برداشت‌های باطنی و تفسیری ایشان را فراهم می‌سازد و افق جدیدی برای تحلیل ساختارمند مفاهیم کلیدی قرآن می‌گشاید. تأویلات اهل بیت علیهم السلام در منابع روایی را می‌توان در پنج گونه‌ی اصلی شامل: تأویل معنای باطنی آیه، تأویل مصداقی، جری و تطبیق، تحقیق مفاد آیه و تأویل آیات متشابه دسته‌بندی کرد؛ گونه‌هایی که هر یک به نوبه خود ابعاد تازه‌ای از عمق و گستره معنایی آیات را در سوره‌ها آشکار می‌سازد. از میان سوره‌های قرآن، سوره‌های بقره و آل عمران به دلیل برخورداری از آیات محوری درباره نبوت و امامت، جایگاه برجسته‌ای در سنت تفسیری شیعه یافته‌اند. آیات ۳۰ و ۱۲۴ سوره بقره و آیات ۳۳ و ۶۱ سوره آل عمران به ترتیب به مباحث خلافت انسان، امامت ابراهیم علیه السلام، اصطفاء آل ابراهیم و آل عمران، و واقعه مباحثه اختصاص دارند که در روایات اهل بیت علیهم السلام با تأویلاتی ویژه و ژرف تبیین شده‌اند.

اهمیت این پژوهش در آن است که گونه‌شناسی تأویلات اهل بیت علیهم السلام در آیات منتخب نبوت و امامت، ظرفیت‌های معرفتی و تفسیری خاص این روایات را نمایان می‌سازد و پیوند معنایی عمیقی میان مفاهیم امامت، نبوت و ولایت در قرآن برقرار می‌کند. همچنین، تحلیل تطبیقی تأویلات روایی با تفاسیر ظاهرگرا، امکان رفع برخی شبهات کلامی و ارائه تصویری دقیق‌تر از نظام هدایت الهی در اندیشه شیعی را فراهم می‌آورد. با وجود اهمیت این تأویلات، در بسیاری از تحقیقات معاصر، این روایات تفسیری یا نادیده گرفته شده‌اند یا تنها به صورت گذرا به آن‌ها اشاره شده است. از این رو، ضرورت دارد که این تأویلات به شیوه‌ای توصیفی و تحلیلی، دقیق و مستند، مورد بررسی قرار گیرد تا نقش آن‌ها در تبیین مفاهیم بنیادین قرآن روشن شود. مسأله اصلی پژوهش این است که: تأویلات اهل بیت علیهم السلام در سوره‌های بقره و آل عمران چگونه به تبیین مفاهیم نبوت، امامت و ولایت کمک می‌کنند؟ این تأویلات، چه نوع درک تازه‌ای از جایگاه الهی اهل بیت علیهم السلام در نظام هدایت قرآنی به دست می‌دهند؟ چگونه می‌توان با اتکا به این تأویلات، پاسخ‌های روشنی به برخی از ابهامات و برداشت‌های سطحی از آیات ارائه کرد؟

در این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع معتبر روایی و تفسیری، ضمن ارائه گونه‌شناسی تأویلات اهل بیت علیهم السلام، ابعاد معنایی و ساختاری تأویلات

ایشان در آیات منتخب سوره‌های بقره و آل عمران بررسی و تحلیل می‌شود تا چشم‌اندازی نوین در مطالعات تفسیر روایی قرآن و نظام هدایت اسلامی ارائه گردد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره جایگاه تأویل در اندیشه تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام انجام شده است، اما بررسی مستقیم و جامع تأویلات ایشان در آیات نبوت و امامت، سوره‌های بقره و آل عمران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، برخی پژوهش‌های مرتبط ذکر می‌شوند:

شرف‌الدین استرآبادی (۱۳۶۷ش / ۱۴۰۹ق) در کتاب مشهور تأویل الآیات الظاهرة به شکل گسترده‌ای آیات دارای دلالت بر فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را همراه با روایات تفسیری جمع‌آوری کرده است؛ از جمله آیات ۱۲۴ بقره و ۶۱ آل عمران.

حسین پور (۱۳۹۱ش) در مقاله‌ای تحلیلی، مفهوم تأویل و روش عبور از ظاهر به باطن قرآن را بر اساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام بررسی کرده و بر جایگاه تأویلات در تفسیر ولایی قرآن تأکید دارد، گرچه تمرکز اصلی او بر آیات خاصی از سوره‌های مورد بحث نیست.

اخوان مقدم (۱۳۹۸ش) در مقاله وجوه معنایی تأویل در روایات اهل بیت علیهم‌السلام مفهوم بطن قرآن و مراتب فهم آن را بررسی کرده و نقش اهل بیت علیهم‌السلام را در تبیین لایه‌های باطنی قرآن با رویکرد روایی تحلیل کرده است؛ گرچه مقاله به آیات خاص نبوت یا امامت پرداخته است.

آراسته و همکاران (۱۳۹۹ش) در مقاله باطن ولایی قرآن و روایات تأویل‌گر با تمرکز بر مقام‌های ولایی ائمه علیهم‌السلام و تطبیق برخی آیات، نشان داده‌اند که مفاهیم ولایی در بطن بسیاری از آیات نهفته است. این مقاله بستر مناسبی برای تحلیل تأویلات روایی فراهم می‌کند، ولی محدود به برخی آیات خاص است.

قنبری و دیاری بیدگلی (۱۳۹۹ش) در مقاله‌ای انتقادی، دیدگاه ذهبی درباره تأویلات شیعه را بررسی کرده‌اند. آن‌ها با تحلیل مقایسه‌ای میان آرای ذهبی و آیت‌الله معرفت، به دفاع از مشروعیت تأویلات اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته‌اند که از حیث روش‌شناسی تأویلی مفید است.

مرادی و معصومی (۱۴۰۰ش) با بررسی نمونه‌های مثال‌پردازی در روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، به روش تفسیری ایشان پرداخته‌اند، اما تمرکز اصلی آنان بر شیوه‌های بیانی است نه محتوای تأویلی در آیات نبوت و امامت.

حسین پور (۱۴۰۰ش) در مقاله‌ای دیگر، مجدداً به روش تأویل اهل بیت علیهم‌السلام

پرداخته و بر پیوند میان تأویل و هدایت ولایی تأکید کرده است، اما همچنان تمرکز او بر تحلیل مفهومی است نه بر آیات خاص سوره‌های بقره و آل عمران. صادقی، فرشته و گلی، مهرناز (۱۴۰۰): در نشریه مطالعات تائویلی قرآن، پیاپی ۷ (پاییز و زمستان ۱۴۰۰)، به بررسی انواع تائویلات اهل بیت علیهم‌السلام در جزء ۲۶ قرآن کریم پرداخته شده است. پژوهش نشان می‌دهد که آیات قرآن افزون بر ظاهر، دارای معانی باطنی هستند که اهل بیت علیهم‌السلام بهترین راهنما برای درک این معانی می‌باشند

گلی و گلی (۱۴۰۲ش) در پژوهشی درباره سوره‌های طه و مریم، تائویلات اهل بیت علیهم‌السلام درباره مقام ولایت را بررسی کرده‌اند. هرچند محور پژوهش بر سوره‌های دیگری استوار است، اما روش دسته‌بندی تائویلات به چهار نوع (رمزی، تمثیلی، مصداقی و تطبیقی) می‌تواند در مطالعه حاضر نیز کاربرد داشته باشد. با وجود این پژوهش‌ها، تاکنون تحقیقی جامع و تحلیلی به صورت متمرکز بر تائویلات اهل بیت علیهم‌السلام در آیات نبوت و امامت سوره‌های بقره و آل عمران انجام نشده است. بیشتر مطالعات موجود یا به مباحث کلی روش تائویل پرداخته‌اند، یا آیات مورد نظر این مقاله (به‌ویژه آیه ۳۰ و ۱۲۴ سوره بقره، و ۳۳ و ۶۱ سوره آل عمران) را صرفاً به صورت موردی بررسی کرده‌اند، بدون تحلیل یکپارچه. خلأ موجود در مطالعات پیشین، نیاز به پژوهشی توصیفی-تحلیلی برای تبیین جایگاه تائویلات اهل بیت علیهم‌السلام در این آیات کلیدی را برجسته می‌سازد.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. تائویل در لغت و اصطلاح

تائویل از ریشه ثلاثی «أول» از باب تفعیل: تائویل - يُؤوِّل - تائویلاً به معنای بازگرداندن و به اصل و مرجع است و مفاهیمی مانند رجوع، حقیقت‌نهایی و عاقبت را در بر می‌گیرد (زهری، ۱۴۲۱/۱۵: ۳۲۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۲/۱؛ ابن منظور، ۱۳۷۶: ۱۶۲۷/۴؛ جرجانی، ۱۴۰۳: ۵۰). در اصطلاح علوم قرآنی، تائویل غالباً به معنای کشف معنای باطنی و حقیقی کلام الهی است که فراتر از ظاهر الفاظ قرار دارد. طبری تائویل را تفسیر مقصود متکلم می‌داند و آن را مترادف تفسیر می‌گیرد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۳/۱). جرجانی نیز آن را انتقال لفظ از ظاهر به معنایی دیگر معرفی می‌کند (جرجانی، ۱۴۰۳: ۵۰). سیوطی تائویل را راهی برای توضیح معانی پیچیده آیات بر اساس انسجام با سیاق می‌داند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۲۱/۳). علامه طباطبایی تائویل را حقیقت خارجی معارفی می‌داند که آیات قرآن به آن

اشاره دارند، و تأکید می‌کند که درک آن صرفاً برای «راسخان در علم» ممکن است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۳/۳). معرفت نیز تاویل را «توجیه آیات متشابه بر وجه صحیح» می‌داند که با تحلیل‌های عقلانی و نقلی به دست می‌آید (معرفت، ۱۴۲۹: ۱۵۷/۸). ابن تیمیه نیز تاویل را بازگشت به حقیقت نهایی کلام می‌داند، هرچند ممکن است مطابق ظاهر نباشد (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ۳۶/۳). در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، تاویل ناظر به لایه‌های پنهان و رمزی آیات است. بر اساس این روایات، قرآن افزون بر ظاهر، دارای بطنی است که علم آن نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام است. این تاویلات، نقش کلیدی در تبیین مفاهیمی مانند نبوت، امامت و ولایت دارند (شرف‌الدین، ۱۴۰۹: ۱۱۲/۱؛ حسین پور، ۱۳۹۱: ۱۵۵).

۳-۲. جری و تطبیق

واژه جری در لغت به معنای حرکت سریع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۴) و در ادبیات روایی، به معنای جریان یافتن معنای قرآن همانند حرکت خورشید، باد یا آب بر مصادیق متعدد، برای استمرار پیام الهی به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۷۴). در اصطلاح علوم قرآنی، جری و تطبیق عبارت است از جریان و انطباق الفاظ و مفاهیم آیات قرآن کریم که درباره یک مصداق بیان شده‌اند، بر مصادیق یا موارد دیگری که همان ملاک و معیار را دارند. به بیان دیگر، جری به معنای امتداد و استمرار معنای آیه در طول تاریخ و انطباق آن بر مصادیق متعددی است که با مصداق اولیه مشترک‌اند (طباطبایی، ۱۴۰۳ق: ۶۷/۳). در این نگاه، یک لفظ که دارای معنای کلی است، می‌تواند بر مصادیق گوناگون در اعصار و شرایط مختلف تطبیق یابد.

بر این اساس، جری و تطبیق در تفسیر روایی، مبین آن است که آیات قرآن تنها به مصداق عصر نزول محدود نبوده، بلکه پیام و معنای آن‌ها قابلیت انطباق بر وقایع، اشخاص یا جوامع مشابه را در همه دوران‌ها دارد؛ چنان‌که در روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، از این اصل تحت عنوان «قانون جری» یاد شده است.

۳-۳. نبوت، امامت و ولایت در پرتو تاویلات اهل بیت علیهم‌السلام

نبوت از ریشه «نَبَأ» به معنای خبر مهم است و در اصطلاح به مقام الهی پیام‌آوری برای هدایت انسان‌ها اشاره دارد (راغب، ۱۴۱۴: ۶۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴۵/۳). اهل بیت علیهم‌السلام در تاویلات خود، نبوت را نه فقط به عنوان مقام ارسال رسالت، بلکه به عنوان جایگاه اتصال با علم الهی معرفی کرده‌اند که منشأ مشروعیت امامت نیز هست (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۳/۳). امامت در لغت به معنای پیشوایی و

راهبری است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۱۵/۳) و در اصطلاح شیعی، به رهبری الهی پس از پیامبر ﷺ توسط فردی معصوم و منصوب از سوی خداوند اطلاق می‌شود. تأویلات اهل بیت ﷺ نشان می‌دهد که امامت نه تنها استمرار نبوت است، بلکه دارای ویژگی‌هایی همچون عصمت و علم لدنی است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۳۴/۲؛ شرف‌الدین، ۱۴۰۹: ۱۱۳/۱).

ولایت نیز به معنای نزدیکی، سرپرستی و تصرف در امور آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۴۳) و در اصطلاح دینی به حق سرپرستی و رهبری دینی و سیاسی بر جامعه اشاره دارد. اهل بیت ﷺ در تأویلات خود، ولایت را محور تداوم هدایت معرفی کرده‌اند که در آیاتی مانند آیه مباهله، خلافت آدم، و ابتلاء ابراهیم برجسته شده است (آراسته و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۸؛ قنبری و دیاری بیدگلی، ۱۳۹۹: ۱۳۴؛ گلی و گلی، ۱۴۰۲: ۸۸). روایات اهل بیت ﷺ که در منابعی مانند تأویل الآیات الظاهرة شرف‌الدین، تفسیر قمی و تفسیر عیاشی ثبت شده‌اند، بر تأویل آیاتی چون آیه ۳۰ و ۱۲۴ بقره و ۳۳ و ۶۱ آل عمران تمرکز دارند. این تأویلات جایگاه امامان را به عنوان وارثان علم نبوی و حجت‌های الهی آشکار می‌کنند (حسین پور، ۱۴۰۰: ۱۵۷؛ حیاتی و پوراقبال، ۱۴۰۰: ۱۴۵). در جمع‌بندی، تأویل در دیدگاه اهل بیت ﷺ، راهی برای درک ژرفای قرآن و تبیین مقاماتی همچون نبوت، امامت و ولایت است. این تأویلات که برخاسته از علم لدنی ایشان است، محور اصلی فهم باطنی آیات کلیدی مربوط به هدایت و رهبری امت اسلامی را تشکیل می‌دهد.

۳-۴. اهل بیت ﷺ و تفسیر قرآن

اهل بیت ﷺ به عنوان مفسران حقیقی قرآن، علم الهی و معرفت کامل نسبت به آیات قرآن دارند. آنان نه تنها بر معانی ظاهری قرآن مسلط بودند، بلکه به تأویلات عمیق و باطنی آن نیز احاطه داشتند. این حقیقت در روایات متعددی از ائمه اطهار ﷺ مورد تأکید قرار گرفته است. امام صادق ﷺ در این زمینه می‌فرماید: “إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ يَبْعَثُ مِنَّا مَنْ يَعْلَمُ كِتَابَهُ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ.” “ما اهل بیت به گونه‌ای هستیم که خداوند متعال همواره از میان ما کسی را برمی‌انگیزد (به عنوان امام زمان خود) که آگاه به (تفسیر) کتابش از آغاز تا پایان آن است.” (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۴/۱) این آگاهی گسترده نسبت به قرآن، وظیفه هدایت و تفسیر صحیح آن را بر عهده اهل بیت ﷺ قرار داده است. به همین دلیل، امام باقر (علیه السلام) درباره وظیفه مردم در مراجعه به اهل بیت ﷺ برای تفسیر قرآن می‌فرماید: “فَاتَّمَا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَقْرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ، فَإِذَا

احتاجوا إلى تفسيره فالا هتداء بنا وإلينا.“

”وظیفه مردم است که قرآن را آن گونه که نازل شده قرائت کنند، اما اگر به تفسیر آن نیاز داشتند، هدایت به سوی تفسیر قرآن بر عهده ما و به سوی ماست.“ (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۵۸/۱) این حدیث، توانایی علمی اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن و فهم معانی عمیق آن را نشان می‌دهد. در همین زمینه، ذهبی نیز تأکید می‌کند که اهل بیت علیهم السلام نقش تربیتی و آموزشی در تفسیر قرآن ایفا کرده‌اند و مردم را به راه‌های صحیح تفسیر قرآن هدایت نموده‌اند (معرفت، ۱۳۷۹: ۴۴۶/۱).

اهل بیت علیهم السلام نه تنها به ظاهر آیات قرآن توجه داشتند، بلکه بر معنای باطنی و تأویلی آن‌ها نیز تأکید می‌کردند. این تأویلات، لایه‌های عمیق تری از معرفت دینی را آشکار کرده و مفاهیم ولایت، امامت و نبوت را در بستر قرآن کریم مورد تبیین قرار می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۵۰/۴) بنابراین، جایگاه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن به عنوان حاملان علم و هدایت الهی از اهمیت بالایی برخوردار است و تأویلات آن‌ها نقش حیاتی در شناخت بهتر مفاهیم قرآنی ایفا می‌کند. تأویلات اهل بیت علیهم السلام علاوه بر روشن کردن معانی ظاهری آیات، به درک عمیق تری از مفاهیم دینی، به ویژه در حوزه‌های ولایت و امامت، کمک می‌کند که در تفسیر اهل سنت کمتر به این جنبه‌ها پرداخته شده است.

۴. تأویلات روایی اهل بیت علیهم السلام در آیه ۳۰ سوره بقره

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۳۰)

آیه ۳۰ سوره بقره درباره خلافت انسان در زمین در اندیشه شیعی، بنیانی برای نظام خلافت و امامت الهی است. اهل بیت علیهم السلام در روایات، این خلافت را فراتر از جانشینی دنیوی و به عنوان مقامی قدسی و الهی با ویژگی‌هایی چون عصمت، علم لدنی و طهارت باطنی معرفی کرده‌اند. این تأویلات در پنج محور ذیل قابل دسته‌بندی است:

۴-۱. معنای باطنی آیه

در بسیاری از روایات اسلامی، بر وجود معانی باطنی و عمیق‌تر برای آیات قرآن تأکید شده است. این روایات بیان می‌کنند که ظاهر آیات تنها بخشی از حقیقت قرآن را منعکس می‌کند و فهم کامل آن مستلزم توجه به باطن و لایه‌های پنهان‌تر معناست. علمای اسلامی نیز با استناد به این روایات، معتقدند که هر آیه، افزون

بر معنای ظاهری، معنای باطنی متعددی دارد که تنها اهل معرفت و صاحبان بصیرت می‌توانند به آن دست یابند (ر.ک: طباطبایی، المیزان: ۸۳/۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «خلیفه الهی انسانی معصوم است که خداوند او را به علم لدنی مجهز ساخته تا بشر را از فساد بازداشته و به هدایت روحانی راهنمایی کند» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴۵/۱). امام باقر علیه السلام خلافت آدم علیه السلام را رمزی از خلافت معنوی در زمین دانسته و آن را مأموریتی الهی در راستای هدایت انسان‌ها معرفی می‌کند (قمی، ۱۴۰۴ق: ۳۶/۱). امام صادق علیه السلام نیز در روایت دیگری خلافت را مقامی الهی معرفی می‌کند که با طهارت باطنی و تسلیم در برابر مشیت الهی محقق می‌شود (شبر، ۱۴۰۷ق: ۸۶/۱).

روایات اهل بیت علیهم السلام بر این نکته تأکید دارند که مفهوم «خلافت» در قرآن، صرفاً یک جایگاه ظاهری و دنیایی نیست، بلکه حقیقتی الهی و باطنی دارد. امام صادق علیه السلام با تصریح به «معصوم بودن خلیفه» و مجهز بودن او به علم لدنی، بُعد ملکوتی و ویژه خلافت را تبیین می‌کند؛ به‌گونه‌ای که این مقام، شرط اساسی هدایت‌گری راستین در امت و مصونیت از فساد و خطا را می‌طلبد (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴۵/۱). از دیدگاه امام باقر علیه السلام، خلافت آدم علیه السلام رمز و نمونه‌ای از خلافت معنوی است که اساساً مأموریتی الهی برای هدایت بشر به شمار می‌رود؛ نه صرف سلطنت یا ریاست (قمی، ۱۴۰۴ق: ۳۶/۱). همچنین تأکید امام صادق علیه السلام بر تحقق خلافت از طریق طهارت باطنی و تسلیم مطلق در برابر مشیت الهی، ماهیت الهی این منصب را از سایر مناصب دنیوی متمایز می‌کند (شبر، ۱۴۰۷ق: ۸۶/۱). در مجموع، تحلیل روایات نشان می‌دهد که «خلافت» در نگاه اهل بیت علیهم السلام مفهومی فراتر از اداره اجتماعی است و بنیاد آن، بر عصمت، علم الهی و طهارت باطنی استوار است.

۲-۴. مصداق باطنی

در بسیاری از روایات و تفاسیر، مقصود از معنای باطنی یا تأویل آیات قرآن، اشاره به مصادیق واقعی و خارجی آن آیات است؛ یعنی باطن هر آیه، حادثه‌ای عینی یا شخصیتی معین در عالم واقع خواهد بود. به بیان دیگر، معنای باطنی آیات قرآن منحصر در مفاهیم انتزاعی و کلی نیست، بلکه می‌تواند در مورد رخدادها یا افراد خاصی تحقق یابد که در روایات اهل بیت علیهم السلام به آنها اشاره شده است (ر.ک: طباطبایی، المیزان: ۸۳/۱؛ عیاشی، تفسیر: ۱۱/۱). امام صادق علیه السلام فرمود: «مراد از خلیفه در این آیه، آدم علیه السلام و امامان معصوم از نسل او هستند که خداوند آنان را در زمین حجت قرار داده است» (کوفی، ۱۴۱۲ق: ۵۴/۱). امام باقر علیه السلام:

«خليفة در این آیه، آدم عليه السلام و اوصیای معصوم او از اهل بیت عليهم السلام هستند» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۳۵/۱). امام حسن عسکری عليه السلام: «خليفة در این آیه، آدم عليه السلام و اوصیای معصوم او هستند» (حسن بن علی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۶/۱).

در روایات، بیان مصداقی اهل بیت عليهم السلام نسبت به آیه خلافت، ناظر به شمول این مقام بر آدم عليه السلام و امامان معصوم پس از اوست. چنان که امام صادق عليه السلام تصریح می‌کند: «مراد از خليفة، آدم عليه السلام و امامان معصوم از نسل او هستند...» (کوفی، ۱۴۱۲ق: ۵۴/۱). امام باقر عليه السلام و امام حسن عسکری عليه السلام نیز بر تداوم این مصداق‌گرایی تأکید می‌کنند و خلافت را منحصر در انسان‌های برگزیده و معصوم می‌دانند (قمی، ۱۴۰۴ق: ۳۵/۱؛ حسن بن علی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۶/۱). این تحلیل نشان می‌دهد که در تفسیر روایی، آیه خلافت نه فقط رویدادی تاریخی، بلکه بیانگر یک سنت الهی برای تعیین حجت الهی در هر عصر است؛ به گونه‌ای که امامان معصوم عليهم السلام استمرار معنوی همان منصب را دارا هستند.

۳-۴. مصداق اطلاق یا جری

در روایات اهل بیت عليهم السلام، مفهوم «جری» به معنای جریان یافتن حکم یا معنای یک آیه در مصادیق متعدد در طول تاریخ است. به بیان دیگر، آیات قرآن تنها به رویداد یا فرد خاصی در زمان نزول محدود نمی‌شوند، بلکه معنای آن‌ها بر اشخاص و وقایع مشابه در اعصار مختلف نیز انطباق می‌یابد. امام صادق عليه السلام فرمود: «خداوند در هر عصر، خلیفه‌ای معصوم را برای هدایت امت می‌گمارد» (کوفی، ۱۴۱۲ق: ۵۴/۱). امام رضا عليه السلام: «خلافت الهی در اهل بیت عليهم السلام تا آخر الزمان استمرار دارد» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴۸/۱).

تحلیل و بررسی: در روایات اهل بیت عليهم السلام، مفهوم «جری» به معنای جریان یافتن حکم یا معنای یک آیه در مصادیق متعدد در طول تاریخ است؛ به بیان دیگر، آیات قرآن تنها به رویداد یا فرد خاصی در زمان نزول محدود نمی‌شوند، بلکه معنای آن‌ها بر اشخاص و وقایع مشابه در اعصار مختلف نیز انطباق می‌یابد. چنان که امام صادق عليه السلام می‌فرماید: «خداوند در هر عصر، خلیفه‌ای معصوم را برای هدایت امت می‌گمارد» (کوفی، ۱۴۱۲ق: ۵۴/۱). این روایت بیانگر آن است که مفهوم خلافت الهی، بر اساس قاعده جری، استمرار تاریخی دارد و در هر دوره، حجت الهی و امام معصوم به عنوان خلیفه الهی برای هدایت بشر تعیین می‌شود؛ بنابراین، آیه خلافت نه تنها به حضرت آدم عليه السلام اختصاص ندارد، بلکه بر همه امامان معصوم عليهم السلام و حجت‌های الهی در هر زمان جاری و قابل تطبیق است.

۴-۴. تحقیق مفاد آیه

در برخی آیات و روایات، به مصداق خارجی و تجسم عینی وعده‌ها و وعیدهای الهی تصریح شده است؛ به این معنا که برخی از وعده‌ها و تهدیدهای مطرح شده در قرآن، در زمان نزول آیه هنوز تحقق خارجی نداشته‌اند، اما تحقق عینی آن‌ها در آینده وعده داده شده است. بنابراین، این‌گونه اخبار غیبی قرآن، ناظر به رویدادها و اشخاص خاصی در آینده هستند که از مصادیق تأویل قرآن به شمار می‌آیند (قهاری کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۸۱). امام صادق علیه السلام فرمود: «خلیفه باید انسانی معصوم، مطهر و صاحب علم لدنی باشد» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴۵/۱). امام باقر علیه السلام: «ملاک خلافت، عهد الهی است و باید در افرادی باشد که از ظلم و فساد دورند» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۳۶/۱). امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «خلیفه باید از فساد به دور و با علم الهی و طهارت، امت را هدایت کند» (شبر، ۱۴۰۷ق: ۸۶/۱). تحلیل روایت‌های اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد که تحقق خلافت الهی مشروط به ویژگی‌هایی چون عصمت، طهارت و علم الهی است. امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام بر این نکته تأکید می‌کنند که مقام خلافت بر اساس عهد الهی و در افرادی تحقق می‌یابد که از ظلم و فساد دور باشند (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴۵/۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ۳۶/۱). این ویژگی‌ها معیارهایی اساسی برای شایستگی تصدی مقام خلافت الهی معرفی شده‌اند که در تمام روایات ائمه علیهم السلام به‌طور مکرر بیان گردیده است.

۴-۵. جری و تطبیق

امام صادق علیه السلام: «خلیفه در این آیه، آدم علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام هستند که در هر زمان، هدایتگران الهی‌اند» (کوفی، ۱۴۱۲ق: ۵۴/۱). امام رضا علیه السلام: «خلافت در این آیه به اهل بیت علیهم السلام تطبیق می‌یابد که در هر عصر برگزیدگان الهی‌اند» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴۸/۱). اصل جری و تطبیق در تفسیر اهل بیت علیهم السلام نشان‌دهنده آن است که خلافت الهی نه فقط متعلق به یک زمان خاص، بلکه حقیقتی جاری و مستمر در تاریخ است. امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام با اشاره به اینکه اهل بیت علیهم السلام مصداق پیوسته خلافت الهی‌اند و هدایت امت اسلامی را در هر عصر بر عهده دارند، این اصل را تبیین می‌کنند (کوفی، ۱۴۱۲ق: ۵۴/۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴۸/۱). این برداشت، راه را برای تحلیل مصداقی و کاربردی آیه در زمینه هدایت تاریخی و مستمر انسان‌ها هموار می‌سازد. این تحلیل نشان می‌دهد که روایات اهل بیت علیهم السلام با رویکردی چندلایه، از تفسیر معنای باطنی آیه تا تعیین مصادیق ویژه، و از تبیین معیارهای خلافت تا ارائه قاعده جری و تطبیق، تصویری جامع و الهی از منصب خلافت و امامت ارائه می‌دهند.

که بر استمرار هدایت الهی و جایگاه ویژه امامان معصوم علیهم السلام در نظام دینی تأکید دارد.

۵. تأویلات روایی اهل بیت علیهم السلام در آیه ۱۲۴ سوره بقره

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره / ۱۲۴)

آیه ۱۲۴ سوره بقره، یکی از کلیدی‌ترین متون قرآنی درباره مفهوم امامت به شمار می‌رود که در منظومه روایی اهل بیت علیهم السلام، مفهومی فراتر از ریاست اجتماعی یا زعامت دنیوی یافته است. در اندیشه شیعه، این آیه شالوده بحث امامت و ولایت الهی را تشکیل می‌دهد و با تأکید بر عصمت، طهارت باطنی، علم لدنی و استمرار این منصب در نسل معصومان، بنیان متفاوت و متمایزی از سایر دیدگاه‌ها ارائه می‌کند. از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام، امامت حضرت ابراهیم علیه السلام مقامی الهی و معنوی است که تنها با برخورداری از ویژگی‌هایی چون عصمت، طهارت روح و علم خاص الهی قابل تحقق بوده و در تداوم نسل پاک و معصوم او استمرار یافته است. بر اساس روایات تفسیری، این حقیقت قرآنی را می‌توان در پنج محور اصلی تحلیل و تبیین کرد:

۱-۵. معنای باطنی

امام صادق علیه السلام فرمود: «ابراهیم علیه السلام در آزمون‌هایی همچون ذبح فرزند، طهارت باطنی و تسلیم مطلق، شایستگی یافت» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۰/۱). ایشان همچنین می‌فرماید: «کلمات در آیه، معارف و علوم الهی است که شرط رسیدن به امامت است» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۱). امام صادق علیه السلام در روایت دیگری، امامت را مقامی الهی همراه با طهارت باطنی و تسلیم کامل در برابر خداوند معرفی می‌کند (شبر، ۱۴۰۷ق: ۱۴۲/۱). در روایات امام صادق علیه السلام، فرآیند «ابتلا» و آزمون حضرت ابراهیم علیه السلام صرفاً به امتحانات ظاهری محدود نیست؛ بلکه شامل مراحل طهارت باطنی، تسلیم کامل و دریافت معارف الهی است. تعبیر امام که «کلمات» را به علوم الهی و تکالیف معنوی تفسیر می‌کند، نشان می‌دهد که شایستگی امامت، تنها از مسیر کمال معنوی و وصول به حقیقت عبودیت حاصل می‌شود (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۰/۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۱؛ شبر، ۱۴۰۷ق: ۱۴۲/۱). تحلیل این روایات نشان می‌دهد که امامت، نهادی الهی است که با تعالی روح، طهارت و تسلیم در برابر امر خداوند گره خورده و اساس آن، کمال معرفتی و باطنی فرد منتخب است.

۲-۵. مصداق باطنی

امام صادق علیه السلام: «امامت به اهل بیت علیهم السلام از نسل ابراهیم علیه السلام واگذار شد»

(بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۳۱۷/۱). امام باقر علیه السلام: «خداوند امامت را به کسانی داد که از هر ظلمی پاک اند». (قمی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۱) امام رضا علیه السلام: «این مقام به معصومان از نسل ابراهیم علیه السلام که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، اعطا شده است» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۲/۱). براساس بیانات امام صادق علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام رضا علیه السلام، مصداق حقیقی امامت، معصومان از نسل ابراهیم علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۳۱۷/۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۲/۱). در این روایات، امامت نه به صورت عام و کلی، بلکه به عنوان مقامی الهی و اختصاصی معرفی می‌شود که تنها به افرادی اعطا شده که از هرگونه ظلم و انحراف پاک اند. تأکید مکرر بر «طهارت» و «عصمت» به عنوان شرط لازم برای نیل به این منصب، گویای نگرش شیعه به تداوم خط هدایتی ابراهیمی در نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ به گونه‌ای که امامت، امری قراردادی یا اجتماعی نیست، بلکه برگزیدگی الهی و استمرار عهد خاص خداوند با معصومان می‌باشد.

۳-۵. مصداق اطلاق یا جری

امام صادق علیه السلام فرمود: «ابراهیم علیه السلام این مقام را برای ذریه خود خواست و خداوند آن را در اهل بیت علیهم السلام مستقر ساخت» (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۳۱۷/۱). امام باقر علیه السلام: «استمرار امامت در اهل بیت علیهم السلام با عصمت و علم باطنی است» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۳/۱). امام صادق علیه السلام در روایت دیگر: «امامت عهد الهی است که به افراد معصوم و مطهر اعطا می‌شود» (همان، ۱۴۱۵ق: ۱۲۰/۱). تأویلات روایی درباره «جری» بر استمرار و جاری بودن معنای امامت تأکید دارد. امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام بیان می‌کنند که ابراهیم علیه السلام این مقام را برای نسل خود درخواست کرد و خداوند آن را در اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۳۱۷/۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۳/۱). در این دیدگاه، امامت همچون مفهومی فرازمانی و فراتاریخی، در هر عصر و نسل ادامه دارد و اختصاص به یک فرد یا دوره ندارد؛ بلکه هرگاه مصداق معصوم و مطهر تحقق یابد، همان عهد الهی و مقام امامت تکرار و استمرار می‌یابد. این برداشت، فهمی پویا از قرآن را نشان می‌دهد و اصل «جری» را به عنوان قاعده‌ای در تفسیر روایی تثبیت می‌کند.

۴-۵. تحقیق مفاد آیه

امام باقر علیه السلام فرمود: «امامت به ظالمان نمی‌رسد و شرط آن عصمت و تسلیم است» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۱). امام صادق علیه السلام: «کلمات، معارف الهی و تکالیف شرعی اند که ابراهیم علیه السلام با تکمیل آن‌ها شایسته امامت شد» (شبر،

۱۴۰۷ق: ۱۴۲/۱). روایات امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بر شرط اساسی امامت یعنی عصمت، علم الهی و تسلیم مطلق تأکید دارند (قمی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۱؛ شبر، ۱۴۰۷ق: ۱۴۲/۱). آنان تبیین می‌کنند که آیه «لاینال عهدی الظالمین» محدود به یک زمان یا فرد خاص نیست و هرگونه ظلم، حتی اندک، با مقام امامت منافات دارد. از منظر این روایات، حقیقت امامت چیزی جز ولایت الهی و واسطه‌گری در فیض و هدایت ربوبی نیست و این مقام جز در افراد معصوم، محقق نمی‌شود؛ به همین دلیل، تحقق مفاد آیه، تأکید بر مرز روشن میان رهبران الهی و رهبران غیرالهی دارد.

۵-۵. جری و تطبیق

امام صادق علیه السلام: «امامت در این آیه، به اهل بیت علیهم السلام تطبیق می‌یابد که در هر عصر، هدایتگران الهی‌اند» (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۳۱۷/۱). امام رضا علیه السلام: «خداوند اهل بیت علیهم السلام را برای هدایت امت در همه اعصار برگزید» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۲/۱). در روایات اهل بیت علیهم السلام، تصریح شده است که امامت مورد نظر آیه ۱۲۴، نه فقط در حضرت ابراهیم علیه السلام بلکه در اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تحقق یافته و ادامه دارد (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۱۳۷/۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۲/۱). این تأویل، جنبه تاریخی آیه را به حقیقتی مستمر و جاری تبدیل می‌کند که در هر عصر، امام معصوم به عنوان هادی الهی نقش آفرین است. بنابراین، آیه تنها ناظر به واقعه‌ای در تاریخ کهن نیست، بلکه معیار و نشانه‌ای برای شناسایی امامان معصوم و حجت‌های الهی در طول تاریخ امت اسلامی است.

۵-۶. معنای آیه متشابه

در منابع روایی، روایتی که آیه ۱۲۴ را متشابه معرفی کند وجود ندارد. روایات، این آیه را محکم دانسته و تمرکز آن‌ها بر تبیین مصادیق و استمرار ولایت الهی است. مطابق روایات، آیه ۱۲۴ از آیات محکم قرآن به شمار می‌رود و با تصریح به شرایط، معیارها و مصادیق امامت، هیچ ابهامی برای فهم عمیق و تطبیق‌پذیری ندارد. تمرکز روایات بر تبیین دقیق مصادیق، استمرار ولایت الهی و شفاف‌سازی شروط امامت است؛ بنابراین، این آیه نه تنها از متشابهات نیست، بلکه به عنوان مبنایی برای شناسایی رهبران الهی معرفی می‌شود.

۶. تأویلات روایی اهل بیت علیهم السلام در آیه ۳۳ سوره آل عمران

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾

آیه ۳۳ سوره آل عمران، یکی از مهم‌ترین آیات در تبیین مبنای ولایت و امامت

در قرآن کریم است که بر انتخاب و برگزیدگی الهی گروهی از انسان‌ها دلالت دارد. تأویلات اهل بیت علیهم‌السلام این انتخاب را امری صرفاً تاریخی یا تشریفاتی نمی‌دانند، بلکه اصطفاء را نشانه‌ای از «شایستگی معنوی، عصمت، علم الهی و استمرار رهبری الهی در نسل برگزیدگان» معرفی می‌کنند. این معنا در قالب شش محور زیر در روایات برجسته شده است:

۶-۱. معنای باطنی

امام باقر علیه‌السلام: «اصطفاء، انتخاب الهی برای مقامی است که با علم لدنی و عصمت همراه است» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۸/۱). امام صادق علیه‌السلام: «اصطفاء به معنای دریافت معارف باطنی و هدایت الهی است» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۹/۱). همچنین فرمود: «این انتخاب الهی همراه با طهارت و تسلیم کامل در برابر اراده خداوند است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۸/۱). اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر «اصطفاء»، آن را مقامی ویژه معرفی می‌کنند که تنها با برخورداری از علم لدنی، عصمت و طهارت باطنی قابل تحقق است. تعبیر امام باقر علیه‌السلام که اصطفاء را به معنای «انتخاب الهی برای مقامی همراه با علم و عصمت» می‌داند (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۸/۱)، نشان‌دهنده پیوند جدایی‌ناپذیر میان رهبری الهی و کمال باطنی است. این معنا با تأکید امام صادق علیه‌السلام بر «دریافت معارف باطنی و هدایت الهی» (همان: ۳۲۹/۱) و «تسلیم کامل در برابر اراده خداوند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۸/۱) تکمیل می‌شود و جایگاه ویژه برگزیدگان را به عنوان واسطه فیض و هدایت الهی در امت اسلامی تثبیت می‌کند.

۶-۲. مصداق باطنی

امام باقر علیه‌السلام: «نحن منهم و نحن بقية تلك العترة» (کوفی، ۱۴۱۲ق: ۷۸/۱). و نیز فرمود: «آیه درباره آل عمران و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده است» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۰/۱). امام صادق علیه‌السلام: «اهل بیت علیهم‌السلام مصادیق آل ابراهیم و آل عمران‌اند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۸/۱). روایات متعددی از امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام دلالت دارند که مصداق حقیقی «آل ابراهیم» و «آل عمران» در این آیه، اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند (کوفی، ۱۴۱۲ق: ۷۸/۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۰/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۸/۱). تصریح امام باقر علیه‌السلام مبنی بر «نحن منهم و نحن بقية تلك العترة» و تصریح به نزول آیه درباره آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پیامی روشن درباره استمرار این برگزیدگی در نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت ایشان دارد. به این ترتیب، تفسیر روایی، آیه را به عنوان تأییدی قرآنی بر جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام به مثابه وارثان معنوی انبیاء تلقی می‌کند.

۳-۶. مصداق اطلاق یا جری

امام صادق علیه السلام: «خداوند در هر زمان، معصومانی از نسل برگزیدگان را برای هدایت بشر قرار داده است» (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۰/۱). ابن عباس (از سیوطی): «هم المؤمنون من آل ابراهیم و آل عمران و آل یاسین و آل محمد صلی الله علیه و آله هستند» (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۷/۲). امام رضا علیه السلام: «اصطفاء در اهل بیت علیهم السلام استمرار یافته و آنان در هر عصر هدایت در نگاه اهل بیت علیهم السلام، مفهوم اصطفاء محدود به زمان پیامبران پیشین نیست، بلکه اصل استمرار و جاری بودن این انتخاب الهی در نسل‌های بعدی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام با اشاره به تعیین معصومان برای هدایت بشر در هر عصر (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۰/۱) و امام رضا علیه السلام با تأکید بر استمرار اصطفاء در اهل بیت (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۱/۱)، بیان می‌کنند که این انتخاب الهی قاعده‌ای فرازمانی است که در هر نسل و دوره، برگزیدگان الهی به عنوان هدایت‌گران امت معرفی می‌شوند. نقل ابن عباس از سیوطی نیز دلالت بر جامعیت و شمول معنای آیه نسبت به اهل بیت علیهم السلام دارد (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۷/۲). گران‌اند» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۱/۱).

در نگاه اهل بیت علیهم السلام، مفهوم اصطفاء محدود به زمان پیامبران پیشین نیست، بلکه اصل استمرار و جاری بودن این انتخاب الهی در نسل‌های بعدی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام با اشاره به تعیین معصومان برای هدایت بشر در هر عصر (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۰/۱) و امام رضا علیه السلام با تأکید بر استمرار اصطفاء در اهل بیت (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۱/۱)، بیان می‌کنند که این انتخاب الهی قاعده‌ای فرازمانی است که در هر نسل و دوره، برگزیدگان الهی به عنوان هدایت‌گران امت معرفی می‌شوند. نقل ابن عباس از سیوطی نیز دلالت بر جامعیت و شمول معنای آیه نسبت به اهل بیت علیهم السلام دارد (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۷/۲).

۴-۶. تحقیق مفاد آیه

امام باقر علیه السلام: «اصطفاء، انتخاب الهی برای هدایت است که تنها به افراد معصوم تعلق می‌گیرد» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۰/۱). امام صادق علیه السلام: «برگزیدگان این آیه به دلیل طهارت و تسلیم کامل برای ولایت الهی انتخاب شدند» (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۱/۱). در تحلیل روایات امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، اصطفاء در آیه ۳۳ نه صرفاً انتخاب صوری، بلکه برگزیدگی حقیقی و معنوی بر مبنای عصمت، طهارت و تسلیم مطلق در برابر ولایت الهی معرفی شده است (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۰/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۱/۱). بنابراین، امتیاز برگزیدگان قرآنی تنها به

نسبت خانوادگی محدود نمی‌شود، بلکه پیوند آن‌ها با حقیقت امامت و ولایت الهی از مسیر کمالات معنوی و شایستگی‌های ویژه حاصل می‌گردد.

۶-۵. جری و تطبیق

امام صادق علیه السلام: «آل ابراهیم و آل عمران در این آیه، اهل بیت علیهم السلام هستند که در هر عصر هدایت‌گران اند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۸/۱). و نیز: «خداوند آن‌ها را برای هدایت امت در هر زمان برگزید» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ق: ۷۱/۳). تأویلات اهل بیت علیهم السلام در آیه ۳۳ آل عمران، اصطفا را مقامی الهی و معنوی دانسته که با عصمت، علم لدنی و طهارت باطنی همراه است و در اهل بیت علیهم السلام استمرار دارد ارتباط این آیه با آیات ۱۲۴ بقره و ۶۱ آل عمران استمرار ولایت و امامت الهی در اهل بیت علیهم السلام را تبیین می‌کند. بر اساس تأویلات روایی، جریان اصطفا، قاعده‌ای همواره جاری در امت اسلامی است و به طور مشخص در اهل بیت علیهم السلام تحقق یافته است. تصریح امام صادق علیه السلام و نقل قمی مشهدی مبنی بر اینکه اهل بیت علیهم السلام در هر عصر هدایت‌گران الهی اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۸/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ق: ۷۱/۳)، بیانگر استمرار ولایت و امامت الهی در طول تاریخ امت است؛ بدین معنا که پیام آیه به همه اعصار و نسل‌ها امتداد می‌یابد و رهبران راستین امت، همان وارثان اصطفا الهی اند.

۷. تأویلات روایی اهل بیت علیهم السلام در آیه ۶۱ سوره آل عمران (آیه مباهله)

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ﴾

آیه ۶۱ سوره آل عمران که به آیه مباهله شهرت دارد، ماجرای مناظره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران را بیان می‌کند. بر اساس روایات شیعی، پیامبر صلی الله علیه و آله در این ماجرا تنها امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه (س)، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را همراه خود برد. آیه مباهله در روایات اهل بیت علیهم السلام به وحدت باطنی علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله، عصمت اهل بیت علیهم السلام، و اثبات ولایت الهی آنان اشاره دارد. این تأویلات در شش محور ذیل بررسی می‌شود:

۷-۱. معنای باطنی

امام صادق علیه السلام فرمود: «مقصود از «أَنْفُسَنَا» امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که به منزله نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و حامل علم و مقام اوست» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۴/۱). ایشان همچنین فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام عزیزترین افراد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و برخوردار از عصمت‌اند» (عیاشی، ۱۳۸۰/۱: ۱۷۶). امام رضا علیه السلام: «انتخاب

اهل بیت علیهم السلام در مباحثه نشانه فضیلت و ولایت الهی آنان است» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۸/۱). در روایات اهل بیت علیهم السلام، عبارت «أَنْفُسَنَا» در آیه مباحثه به امیرالمؤمنین علی علیه السلام تفسیر شده است، به گونه‌ای که امام علی علیه السلام به عنوان نفس و حقیقت باطنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حامل کامل علم و ولایت او معرفی می‌شود (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۴/۱). این بیان، وحدت روحی و وجودی امام علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تثبیت و عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام را تأیید می‌کند. همچنین، تاکید امام رضا علیه السلام بر انتخاب اهل بیت علیهم السلام به عنوان نشانه فضیلت و ولایت الهی آنان، حقیقت امامت را فراتر از نسبت خویشاوندی صرف و در پیوند با علم لدنی و تسلیم مطلق الهی معرفی می‌نماید (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۸/۱؛ عیاشی، ۱: ۱۷۶/۱۳۸۰).

۲-۷. مصداق باطنی

امام باقر علیه السلام: «آیه مباحثه برترین فضیلت علی علیه السلام و وحدت وجودی او با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۴/۱). امام موسی کاظم علیه السلام: «اهل بیت علیهم السلام حاملان عصمت و علم باطنی و مصادیق مباحثه‌اند» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ق: ۱۱۶/۱). امام رضا علیه السلام: «اگر فردی برتر از علی علیه السلام بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را می‌آورد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳/۱). امام باقر علیه السلام: «آیه مباحثه به علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام اشاره دارد» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۹/۱). تأویلات روایی، آیه مباحثه را آشکارا بر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام تطبیق می‌دهد. امام باقر علیه السلام این آیه را دلالت بر برترین فضیلت علی علیه السلام و وحدت وجودی او با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۴/۱)، و امام موسی کاظم علیه السلام اهل بیت علیهم السلام را مصادیق حقیقی عصمت و علم باطنی در این واقعه معرفی می‌کند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ق: ۱۱۶/۱). همچنین، امام رضا علیه السلام تصریح می‌کند که اگر فردی برتر از علی علیه السلام وجود داشت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را برای مباحثه برمی‌گزید (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳/۱). این بیانات، انحصار ولایت و امامت الهی را در اهل بیت علیهم السلام اثبات می‌کند و امتیاز آنان را در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برجسته می‌سازد (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۹/۱).

۳-۷. مصداق اطلاق یا جری

امام صادق علیه السلام: «اهل بیت علیهم السلام حاملان علم الهی و برگزیدگان خداوندند» (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۶۲۹/۱). همچنین فرمود: «اگر مسیحیان مباحثه می‌کردند، به عذاب گرفتار می‌شدند؛ چراکه اهل بیت علیهم السلام حاملان حقیقت‌اند» (فیض

کاشانی، ۱۴۱۵ق: (۳۴۳/۱). در نگاه اهل بیت علیهم السلام، آیه مباهله صرفاً رویدادی مقطعی نیست، بلکه حکمی جاری و مستمر درباره جایگاه اهل بیت علیهم السلام به عنوان حاملان علم الهی و برگزیدگان خداوند است (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۶۲۹/۱). امام صادق علیه السلام تأکید می‌کند که اگر مسیحیان مباهله را می‌پذیرفتند، به عذاب الهی گرفتار می‌شدند؛ چرا که اهل بیت علیهم السلام حامل حقیقت و عصاره ایمان و ولایت الهی‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳/۱). این روایات اصل جری را در معنای آیه مباهله تثبیت می‌کنند؛ به گونه‌ای که اهل بیت علیهم السلام در هر عصر مصداق رهبری و هدایت الهی معرفی شده‌اند.

۴-۷. تحقیق مفاد آیه

امام صادق علیه السلام: «امامت عهد الهی است که به معصومان می‌رسد» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۰/۱). امام باقر علیه السلام: «امامت به ظالمان نمی‌رسد و شرط آن عصمت است» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۱). امام صادق علیه السلام: «کلمات، معارف الهی است که ابراهیم علیه السلام با تکمیل آن‌ها شایسته امامت شد» (شبر، ۱۴۰۷ق: ۱۴۲/۱). در تحلیل مفهومی روایات، امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام تصریح دارند که امامت عهدی الهی است که تنها به معصومان می‌رسد و هرگونه ظلم، مانع این مقام است (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۰/۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۱). بیان اینکه کلمات، معارف الهی‌اند که فقط با تکمیل و تحقق آن‌ها می‌توان شایسته امامت شد (شبر، ۱۴۰۷ق: ۱۴۲/۱)، نشانه آن است که امامت و ولایت نه یک امتیاز موروثی، بلکه مقامی الهی و مشروط به طهارت، عصمت و دانش ربانی است.

۵-۷. جری و تطبیق

امام صادق علیه السلام: «مباهله تمثیلی از ولایت اهل بیت علیهم السلام در هر زمان است» (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۵/۱). امام رضا علیه السلام: «آیه مباهله دلیل امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳/۱). امام صادق علیه السلام: «مباهله نشانه استمرار ولایت اهل بیت علیهم السلام است» (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۶/۱). بر اساس روایات، مباهله فقط یک واقعه تاریخی نیست، بلکه تمثیلی از ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام در همه اعصار است (همان، ۴۸۵/۱). امام رضا علیه السلام نیز آیه مباهله را دلیل روشن بر امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام دانسته و استمرار این مقام را در طول تاریخ اسلامی تأیید می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳/۱). این نگاه، امتداد معنوی ولایت و نقش هدایت‌گری اهل بیت علیهم السلام را در هر زمان تبیین می‌کند و رهبری الهی را منحصر در آنان می‌داند. (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۶/۱).

۶-۷. معنای آیه متشابه

امام صادق علیه السلام: « خداوند در مباحله، علی علیه السلام را به عنوان نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را به عنوان برگزیدگان معرفی کرد» (اشکوری، بی تا: ۳۳۲/۱). این روایت، آیه مباحله را متشابه دانسته که معنای باطنی آن با تأویل اهل بیت علیهم السلام آشکار می‌شود. در روایات، آیه مباحله در عین شفافیت مصداقی، واجد لایه‌های باطنی و معنایی است که تنها با تأویل اهل بیت علیهم السلام به درستی فهم می‌شود. امام صادق علیه السلام تصریح دارد که خداوند علی علیه السلام را به عنوان نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را به عنوان برگزیدگان معرفی کرده است (همان: ۳۳۲/۱). این بیان، آیه مباحله را متشابهی می‌داند که تفسیر و تأویل آن در انحصار اهل بیت علیهم السلام قرار دارد و راز وحدت باطنی و مقام معنوی آنان را برای اهل بصیرت آشکار می‌سازد.

۸. تحلیل انواع تأویلات روایی اهل بیت علیهم السلام در آیات منتخب

تأویلات روایی اهل بیت (علیهم السلام) در سوره‌های بقره و آل عمران، نقشی بنیادین در تبیین مفاهیم نبوت، امامت و ولایت در قرآن کریم ایفا می‌کنند. این تأویلات، بر پایه علم لدنی و شناخت باطنی اهل بیت علیهم السلام، لایه‌های ژرف معنایی قرآن را آشکار ساخته و جایگاه الهی و معنوی ایشان را در نظام هدایت الهی اثبات می‌نماید. محور تأویلات در سوره بقره عمدتاً بر خلافت و امامت به عنوان مقامات الهی متمرکز است، در حالی که در سوره آل عمران، برگزیدگی (اصطفاء) و فضیلت اهل بیت علیهم السلام برجسته شده است.

نتیجه

بر اساس یافته‌های این پژوهش، نتایج زیر به عنوان دستاوردهای علمی و تفسیری ارائه می‌شود:

۱. تحلیل تأویلات روایی اهل بیت علیهم السلام نشان داد که این روایات نه تنها مفاهیم محوری نبوت، امامت و ولایت را با دقت و عمق در قرآن کریم تبیین می‌کنند، بلکه چارچوبی معرفتی و کلامی برای فهم نظام هدایت الهی ارائه می‌دهند. این چارچوب، با تکیه بر علم لدنی و بصیرت باطنی اهل بیت علیهم السلام، لایه‌های ژرف معنایی آیات را آشکار کرده و جایگاه بی‌مانند ایشان را به عنوان حاملان علم الهی، وارثان وحی و هدایت‌گران معنوی امت اسلامی تثبیت می‌کند.

۲. بررسی داده‌های روایی نشان داد که در آیات ۳۰ و ۱۲۴ سوره بقره و آیه ۳۳ سوره آل عمران، پنج نوع تأویل روایی شامل معنای باطنی آیه، مصداق باطنی، مصداق اطلاق یا جری، تحقیق مفاد آیه، و جری و تطبیق در گذر زمان به صورت

نظام مند در منابع روایی اهل بیت علیهم السلام ارائه شده است. آیه ۶۱ سوره آل عمران (آیه مباحله) جایگاه ممتازی دارد، زیرا علاوه بر پوشش کامل این پنج نوع تأویل، در برخی روایات به عنوان آیه متشابه معرفی شده که معنای باطنی آن تنها از طریق تأویلات اهل بیت علیهم السلام روشن می‌گردد. این گونه‌شناسی، روشی ساختارمند برای تحلیل لایه‌های عمیق تر آیات قرآنی ارائه می‌دهد و برتری معرفتی تفسیر روایی شیعه را در برابر قرائت‌های صرفاً ظاهری نشان می‌دهد.

۳. یافته‌های این پژوهش از منظر علمی، با ارائه چارچوبی روشمند برای فهم لایه‌های باطنی آیات، به عنای معرفتی علوم قرآنی و کلام شیعی کمک می‌کند. این چارچوب، با تبیین پیوستگی تاریخی و معنوی مفاهیم خلافت، امامت و ولایت، به پاسخ‌گویی به شبهات کلامی و رفع ابهامات ناشی از تفاسیر ظاهری یاری می‌رساند. از منظر کاربردی، نتایج این مطالعه می‌تواند در حوزه آموزش علوم قرآنی، تدوین برنامه‌های درسی در مراکز علمی و دینی، و ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام به کار گرفته شود. همچنین، این پژوهش با برجسته‌سازی نقش تأویلات اهل بیت علیهم السلام در کشف معانی باطنی قرآن، دعوتی است به پژوهشگران علوم اسلامی برای بازخوانی و تعمیق مطالعات روایی در پاسخ به نیازهای فکری و معنوی جوامع اسلامی معاصر.

۴. تأویلات اهل بیت علیهم السلام با ارائه نگاهی چندلایه و پویا به آیات قرآنی، نقش محوری ایشان را به عنوان مفسران حقیقی قرآن و هدایت‌گران الهی امت اسلامی تثبیت می‌کند. این تأویلات، با پیوند دادن مفاهیم قرآنی به مصادیق عینی و استمرار تاریخی، نشان‌دهنده تداوم هدایت الهی از طریق اهل بیت علیهم السلام در همه اعصار است. این امر، ضرورت رجوع به روایات اهل بیت علیهم السلام را برای فهم صحیح و جامع قرآن کریم بیش از پیش آشکار می‌سازد.

جدول ۱: دسته‌بندی آیات و نوع تأویلات اهل بیت علیهم‌السلام

نوع تأویل	آیه	سوره
معنای باطنی آیه	۳۰	بقره
مصدق باطنی آیه	۳۰	بقره
مصدق اطلاق یا جری	۳۰	بقره
تحقیق مفاد آیه	۳۰	بقره
جری و تطبیق در گذر زمان	۳۰	بقره
معنای باطنی آیه	۱۲۴	بقره
مصدق باطنی آیه	۱۲۴	بقره
مصدق اطلاق یا جری	۱۲۴	بقره
تحقیق مفاد آیه	۱۲۴	بقره
جری و تطبیق در گذر زمان	۱۲۴	بقره
معنای باطنی آیه	۳۳	آل عمران
مصدق باطنی آیه	۳۳	آل عمران
مصدق اطلاق یا جری	۳۳	آل عمران
تحقیق مفاد آیه	۳۳	آل عمران
جری و تطبیق در گذر زمان	۳۳	آل عمران
معنای باطنی آیه	۶۱	آل عمران
مصدق باطنی آیه	۶۱	آل عمران
مصدق اطلاق یا جری	۶۱	آل عمران
تحقیق مفاد آیه	۶۱	آل عمران
جری و تطبیق در گذر زمان	۶۱	آل عمران
معنای آیه متشابه	۶۱	آل عمران

گونه شناسی تأویلات اهل بیت (ع) در آیات منتخب نبوت و امامت سوره‌های بقره و آل عمران

دوره هفتم

شماره سیزدهم

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

جدول ۲: دسته بندی تأویلات اهل بیت علیهم السلام

سوره	آیه	نوع تأویل	مفهوم تأویلی
بقره	۳۰	معنای باطنی آیه	خلافت، مقامی الهی و معنوی با عصمت و علم لدنی است.
بقره	۳۰	مصدق باطنی آیه	مصدق خلیفه، آدم؟ ع؟ و امامان معصوم از نسل او هستند.
بقره	۳۰	مصدق اطلاق یا جری	خلافت در هر عصر در اهل بیت؟ عهم؟ استمرار دارد.
بقره	۳۰	تحقیق مفاد آیه	خلیفه باید معصوم، مطهر و صاحب علم الهی باشد.
بقره	۳۰	جری و تطبیق در گذر زمان	تطبیق خلافت بر اهل بیت؟ عهم؟ در هر دوره.
بقره	۱۲۴	معنای باطنی آیه	امامت، مقامی الهی و مشروط به عصمت و علم باطنی است.
بقره	۱۲۴	مصدق باطنی آیه	مصدق امامان، اهل بیت؟ عهم؟ از نسل ابراهیم ع؟ هستند.
بقره	۱۲۴		استمرار امامت در نسل معصومان در طول تاریخ.
بقره	۱۲۴	تحقیق مفاد آیه	شرط امامت: عصمت، طهارت، تسلیم مطلق و علم لدنی.
بقره	۱۲۴	جری و تطبیق در گذر زمان	تطبیق امامت بر اهل بیت؟ عهم؟ در همه اعصار.
آل عمران	۳۳	معنای باطنی آیه	اصطفاء، برگزیدگی معنوی همراه با عصمت و علم لدنی است.
آل عمران	۳۳	مصدق باطنی آیه	اهل بیت؟ عهم؟ مصدق آل ابراهیم و آل عمران.
آل عمران	۳۳	مصدق اطلاق یا جری	استمرار اصطفاء و هدایت در اهل بیت؟ عهم؟ در همه اعصار.
آل عمران	۳۳	تحقیق مفاد آیه	ملاک اصطفاء: عصمت، طهارت، و ولایت معنوی.
آل عمران	۳۳	جری و تطبیق در گذر زمان	تطبیق برگزیدگی بر اهل بیت؟ عهم؟ در هر دوره و عصر.
آل عمران	۶۱	معنای باطنی آیه	«أنفسنا» اشاره به وحدت وجودی علی ع؟ ع؟ با پیامبر؟ ص؟ دارد.

سوره	آیه	نوع تأویل	مفهوم تأویلی
آل عمران	۶۱	مصدق باطنی آیه	مصدق مباحله، علی، فاطمه، حسن و حسین؟ ع؟ هستند.
آل عمران	۶۱	مصدق اطلاق یا جری	استمرار ولایت اهل بیت؟ عهم؟ در همه دوران‌ها.
آل عمران	۶۱	تحقیق مفاد آیه	ملاک مباحله: عصمت، ولایت و علم لدنی اهل بیت؟ عهم؟.
آل عمران	۶۱	جری و تطبیق در گذر زمان	مباحله تمثیلی از ولایت اهل بیت؟ عهم؟ در همه اعصار.
آل عمران	۶۱	معنای آیه متشابه	مباحله از آیات متشابه است که معنای آن با تأویل اهل بیت؟ عهم؟ روشن می‌شود.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه قمشه ای.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۲۶ق): التفسیر الکبیر. تحقیق عبدالرحمان. بیروت.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق): مکتب العالم الاسلامی. قم: مکتب العالم الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق): لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- اخوان مقدم، زهره. (۱۳۹۸): «وجوه معنایی تأویل در روایات اهل بیت علیهم السلام و مسئله بطن قرآن»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، (۳)، ۲، صص ۶۵-۴۵.
- آراسته، مهدی؛ نجارزادگان، فتح الله؛ مسعودی، عبدالهادی و احمدی، محمدحسن. (۱۳۹۹): «باطن ولایی قرآن و روایات تأویل گر آیات به مقامات ائمه علیهم السلام»، دوفصلنامه امامت پژوهی، (۲)، ۱۰ ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق): تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اشکوری، محمد بن علی. (بی تا): تفسیر شریف لاهیجی. بی جا: بی نا.
- بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۵ق): البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه البعثة.
- بزازش، علیرضا. (۱۳۹۴): تفسیر اهل بیت علیهم السلام. تهران: امیرکبیر.
- بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۸۳): «بررسی آرای ذهبی درباره تأویل»، فصلنامه طلوع، ۱۲، صص ۶۵-۴۵.
- جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۰۵ق): التعریفات. تهران: ناصر خسرو.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق): تفسیر نور الثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم. (۱۴۰۹ق): التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام. قم: مدرسة الإمام المهدي.
- دیاری بیدگلی، محمدتقی و قنبری، مرضیه. (۱۳۹۹): «بررسی و نقد انتقادات ذهبی بر تأویلات شیعه»، پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)، ۴۰، صص ۲۷-۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۴ق): مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق): تفسیر الدر المنثور. قم: کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی.
- شبر، عبدالله. (۱۴۰۷ق): الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین. کویت: مکتبه الألفین.
- شرف الدین استرآبادی. (۱۴۳۱ق): به کوشش حسین استادولی. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة. ج ۱. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صادقی، فرشته و گلی، مهرناز. (۱۴۰۰): «انواع تأویلات اهل بیت علیهم السلام در جزء ۲۶ قرآن کریم»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، (۷)، ۴، صص ۲۷۳-۲۵۴.
- صفار قمی، حمد بن الحسن. (۱۴۰۴ق): علم الحدیث و الکلام. قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۵۲ش/۱۳۹۳ق): المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- (۱۴۲۷ق): تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن. بیروت: دار التعارف.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق): جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش): مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طیب، سیدعبدالحسین. (۱۳۷۸ش): اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
- عباشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ش): تفسیر عباشی. تحقیق هاشم رسولی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فتحی، علی؛ سلطان محمدی، فاطمه و سلطان محمدی، حسین. (۱۴۰۰): «آسیب شناسی نظریه مفسر محوری در تفسیر قرآن»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، (۷)، ۴، صص ۱۷۹-۱۶۰.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۲ق): تفسیر فرات. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۳۷۳ش/۱۴۱۵ق): تفسیر الصافی. قم: مکتبه الصدر.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق): تفسیر القمی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸ش): تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تصحیح حسین درگاهی. تهران: وزارت فرهنگ.

قهاری کرمانی، محمدهادی و همکاران. (۱۳۹۹): «انواع تأویلات اهل بیت علیهم السلام در جزء هفدهم قرآن کریم»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، ۷.

----- (۱۳۹۸): «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، (۳) ۲، صص ۹۶-۶۸.

کاشانی، محمد بن مرتضی. (بی تا). تفسیر المعین. قم: کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی.

کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (۱۳۳۶ش): منهج الصادقین فی إلزام المخالفین. تهران: کتابفروشی علمی. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق): اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مرادی، محمد و معصومی، مسعود. (۱۴۰۰): «گونه شناسی کاربرد مثال در روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام»، مطالعات قرآنی، (۴۶) ۱۲

معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹ش): تفسیر و مفسران. قم: التمهید.

----- (۱۳۷۴ش): آموزش علوم قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

References

- Quran.
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abdul-Halim. (1426 AH). *Al-Tafsir al-Kabir*. Edited by Abdulrahman. Beirut.
- Ibn Faris, Ahmad ibn Faris. (1404 AH). *Maktab al-Alam al-Islami*. Qom.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Sadir.
- Akhavan Moghadam, Zohreh. (2019). "Semantic Aspects of Ta'wil in the Narrations of Ahl al-Bayt (a) and the Issue of Batn al-Qur'an." *Qur'anic Ta'wilat Research Journal*, 2(3), 45-65.
- Arasteh, Mehdi; Najjarzadegan, Fathollah; Masoudi, Abdolhadi & Ahmadi, Mohammad Hassan. (2020). "The Imamic Esoteric Aspect of the Qur'an..." *Imamate Studies*, 10(2).
- Azhari, Muhammad ibn Ahmad. (1421 AH). *Tahdhib al-Lugha*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Ashkuri, Muhammad ibn Ali. (n.d.). *Tafsir Sharif Lahiji*. [Place unknown].
- Bahrani, Sayyid Hashim. (1415 AH). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*. Mu'assasat al-Ba'tha.
- Barazesh, Alireza. (2015). *Tafsir Ahl al-Bayt (a)*. Tehran: Amirkabir.
- Bahjatpour, Abdolkarim. (2004). "A Review of Al-Dhahabi's Opinions about Ta'wil." *Tolu' Quarterly*, 12, 45-65.
- Jurjani, Ali ibn Muhammad. (1405 AH). *Al-Ta'rifat*. Tehran: Nasir Khosrow.
- Huwayzi, Abd Ali ibn Jumu'ah. (1415 AH). *Tafsir Nur al-Thaqalayn*. Esmaceliyan.
- Hasan ibn Ali (a), 11th Imam. (1409 AH). *Al-Tafsir al-Mansub ila al-Imam al-Askari*. Qom: Madrasat al-Imam al-Mahdi.
- Deyari Bidgoli, Mohammad Taghi & Ghanbari, Marzieh. (2020). "A Critical Review of Al-Dhahabi's Objections to Shiite Ta'wilat." *Afaq-e Din*, 40, 5-27.
- Raghib Isfahani, Husayn ibn Muhammad. (1414 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Qalam.
- Suyuti, Jalal al-Din. (1404 AH). *Al-Durr al-Manthur*. Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi.
- Shubbar, Abdallah. (1407 AH). *Al-Jawhar al-Thamin fi Tafsir al-Kitab al-Mubin*. Kuwait.
- Sharaf al-Din Astrabadi. (1431 AH). *Ta'wil al-Ayat al-Zahira...* Ed. H. Ostadvalli. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Sadeghi, Fereshteh & Goli, Mehrnaz. (2021). "Types of Ta'wilat of Ahl al-Bayt (a) in the 26th Juz'..." *Qur'anic Ta'wilat Research Journal*, 4(7), 254-273.
- Safar Qummi, Hamad ibn al-Hasan. (1404 AH). *Ilm al-Hadith wa al-Kalam*. Qom.
- Tabataba'i, Muhammad Husayn. (1973/2014). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Mu'assasat al-A'lami.
- (1427 AH). *Tafsir al-Bayan fi al-Muwafaqa...* Beirut.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1412 AH). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut.
- Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1993). *Majma' al-Bayan*. Tehran: Nasir Khosrow.
- Tayyib, Sayyid Abd al-Hossein. (1999). *Atiyyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Islam.
- Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud. (2001). *Tafsir 'Ayyashi*. Ed. Hashim Rasuli. Tehran.
- Fathi, Ali; Soltan Mohammadi, Fatemeh & Soltan Mohammadi, Hossein. (2021). "Pathology of Interpreter-Centrism..." *Qur'anic Ta'wilat Research Journal*, 4(7), 160-179.
- Furat, Furat ibn Ibrahim. (1412 AH): *Tafsir Furat al-Kufi*. Organization for Printing.

- Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtada. (1994/1415 AH): Tafsir al-Safi. Qom: Maktabat al-Sadr.
- Qummi, Ali ibn Ibrahim. (1404 AH) : Tafsir al-Qummi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Qummi Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Reza. (1989) : Tafsir Kanz al-Daqa'iq. Ed. Hossein Dargahi. Tehran.
- Qahari Kermani, Mohammad Hadi et al. (2020) : "Types of Ta'wilat..." Qur'anic Ta'wilat Research Journal, 7.
- (2019) : "Nature of Qur'anic Ta'wil..." Qur'anic Ta'wilat Research Journal, 2(3), 68-96.
- Kashani, Muhammad ibn Murtada. (n.d.) : Tafsir al-Mu'in. Qom.
- Kashani, Fathullah ibn Shukrallah. (1957) : Tafsir Manhaj al-Sadiqin. Tehran.
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1407 AH) : Usul al-Kafi. Tehran.
- Moradi, Mohammad & Masoumi, Masoud. (2021) : "Typology of the Use of Example..." Qur'anic Studies, 12(46).
- Ma'rifat, Muhammad Hadi. (2000) : Tafsir wa Mufasssiran. Qom: Al-Tamhid.
- (1995) : Teaching Qur'anic Sciences. Tehran: Sazman Tablighat Islami.